

## تاثیر احساسات سرمایه گذاران و نرخ سود سپرده بانکی بر نسبت قیمت - سود در بازار بورس اوراق بهادار تهران

مهرا مجیدیان

mehrsa.majidian@gmail.com

### چکیده:

مقاله حاضر به بررسی تاثیر احساسات سرمایه گذاران و نرخ سود سپرده بانکی بر نسبت قیمت - سود در بازار بورس اوراق بهادار تهران پرداخته است جامعه آماری عبارتست از منتخب شرکتهای پذیرفته شده در سازمان بورس اوراق بهادار تهران که تعداد ۱۱۴ شرکت به عنوان جامعه غربالگری شده به عنوان جامعه آماری نهایی مقاله طی دوره زمانی ۱۳۹۱-۱۳۹۷ انتخاب شده است. تخمین مدل در سه گروه شرکت صورت پذیرفت. مدل نسبت قیمت به سود در شرکتهای منتخب بورسی در سه صورت مورد تخمین قرار گرفت. کل ۱۱۴ شرکت منتخب مورد مطالعه، شرکتهای منتخب با نسبت قیمت به سود بالا و شرکتهای منتخب با نسبت قیمت به سود پایین. بنابراین تخمین مدل در سه حالت مختلف صورت پذیرفت. نتایج تخمین مدل در هر سه گروه شرکت نشان از تاثیر منفی احساسات سرمایه گذار بر نسبت قیمت به سود داشت که البته این اثر گذاری برای شرکتهای با نسبت قیمت به سود پایین در سطح اطمینان ۹۰ درصد معنا دار بود. همچنین تاثیر منفی و معنی دار نرخ سود سپرده بانکی بر نسبت قیمت به سود در هر سه گروه شرکت پذیرفته شد. همچنین متغیرهای نرخ بازده مورد انتظار و رشد فروش سالیانه شرکت نیز بر نسبت قیمت به سود دارای تاثیر مثبت و معنی دار بود و متغیر افزایش اطلاعات مالی بر نسبت قیمت به سود در هر سه گروه شرکت دارای تاثیر معنی دار بر نسبت قیمت به سود نبود.

### واژگان کلیدی:

رفتار احساسی سرمایه گذاران، افشای اطلاعات استراتژیک مالی، حجم معاملات، سرمایه گذاری در بازار، رشد سالانه فروش

### مقدمه:

یکی از موضوعات چالش برانگیز در حوزه ادبیات مالی درک فرآیند تصمیم گیری مشارکت کنندگان در بازار سرمایه است. یکی از مهمترین فرضیه های مطرح در این خصوص، فرضیه بازار کاراست که به سرعت و تمامیت واکنش قیمت سهام به اعلان اطلاعات جدید اشاره دارد. به طور کلی در یک بازار کارا قیمت سهام، برآوردی صحیح و بی طرفانه از ارزش های آتی این اوراق است. به بیان دیگر سرمایه گذاران دارای انتظارات منطقی و آگاهانه از قیمت های آینده اوراق هستند. یکی از ایرادات اساسی فرضیه بازار کارا مربوط به ارائه مدلی برای تعیین بازده واقعی سهام است که به صورت نظری و عملی در پژوهش های متعدد مورد بحث قرار گرفته است. این نقص در ادبیات مالی به عنوان ناهنجاری های بازار شناخته می شود. لیکن در اقتصاد رفتاری وجود این نقص در بازارهای مالی به تورش های ادراکی، خطاهای انسانی و واکنش های انسانی نسبت داده شده است. (صمدی، ۱۳۹۵). سرمایه گذاری، کارایی سرمایه گذاری، احساسات سرمایه گذاران و پویایی قیمت سهام و نسبت قیمت - سود از مباحث مهم و مورد مطرح در اقتصاد کشور می باشد. وجود پدیده هایی که کارایی بازارهای مالی را زیر سؤال می برند یکی از مسائلی است که محققین و اندیشمندان مالی توجه زیادی به آن داشته اند. این پدیده ها که منجر به سودهای غیرعادی برای تعدادی از شرکت ها و در نتیجه زیان های هنگفتی برای تعدادی دیگر از شرکت ها می شود، شناسایی و بررسی این پدیده ها می تواند راه حل های مناسب جهت نزدیک شدن به توزیع عادلانه و متعادل در بازار شود. اطلاعات و وجود شفافیت در بازار منجر به سرمایه گذاری منطقی در بازار می شود و وجود اطلاعات، سرمایه گذاری افراد را برای تصمیم گیری بهتر افزایش می دهد. ولی عدم شفافیت منجر به افزایش زیان و هزینه های معاملاتی، کاهش نقدینگی، ضعیف شدن سیستم های بازاری و کاهش سود معاملات می شود. وجود چنین معاملاتی شفافیت بازار را مختل کرده و امنیت سرمایه گذاران را متزلزل می کند (هانگبین و همکاران، ۲۰۱۶). اگر از سرمایه گذاران پرسیده شود چه هدفی از سرمایه گذاری دارند، بیشتر آنها پاسخی ساده خواهند داد: آنها خواهان سود هستند. گرچه پاسخ آنها واضح به نظر می رسد اما به احتمال قوی حقیقت نیست. در درون هریک از ما، خواسته هایی وجود دارد که همیشه ابراز نمی شود. بیشتر ما وقتی درباره پول و سرمایه مان تصمیم گیری می شود، به جای اینکه واقعا به قصدی که عمل شود (کسب سود) معمولا به دنبال این هستیم که آن احساسات درونی را